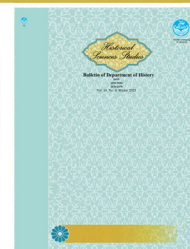




Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



Research Paper

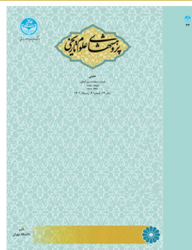
doi 10.22059/JHSS.2022.333086.473499

The First Hosseiniyachs of Iran based on Waqf Tablets

Mohamad Mashhadinushabadi¹

1. Associate Professor, Department of Religions and Philosophy, Kashan University, Isfahan, Iran. E-mail: mmn5135@kashanu.ac.ir

Article Info.	Abstract
Received: 2021/10/28 Accepted: 2023/01/07 Keywords: <i>Hosseinieh Amir Chakhmaq Yazd, Hosseinieh Sar Polak Yazd, Hosseinieh Ghazi Aran and Bidgol, endowment letter of the first Hosseiniehs, Sultan Hossein Safavid</i>	Although the history of Muharram mourning rituals goes back to the Al-Buyeh period, Muharram mourning rituals in Safavid Iran developed so much that it required the creation of special mourning buildings. Although many Takiyehs, which were the gathering centers of Sufis, Qalandrans, and Ahl al-Fatut, became places for Muharram rituals, but in the urban structure of Iran, a new element called Hosseiniyeh - attributed to Hossein bin Ali and a special feature of Muharram mourning - was born. The uncertainty about the time of the construction of the first Hosseiniyehs has made researchers to speculate and estimate. This article tries to give an answer to this question based on historical evidence by relying on three inscriptional waqf tablets of the Safavid period. The research method is documentary and observational and the data has been analyzed according to other historical documents. According to this research, despite the existence of the Hosseinieh Khanqah of Natanz in the period of Shah Rukh Timuri, this building was not dedicated to Muharram mourning, but the first Hosseinieh in Iran was formed following the development of Muharram rituals and the allocation of endowments to these rituals in the period of Sultan Hossein Safavid and around 1120 AH. Among them are the Hosseinieh of Ghazi Aran and Bidgol mosques, the Hosseinieh of Amir Chakhmaq Square and the Hosseinieh of Sar Polak Mosque in Yazd. This evidence shows that most likely, other Hosseiniyehs were built in Iran during this period, and this historical period should be considered as the time when the first Hosseiniyehs were built.
How To Cite: Mashhadinushabadi, M (2022). The first Hosseiniyachs of Iran based on waqf tablets, Journal of Historical Sciences Studies. Publisher: University Of Tehran Press.	



فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱. شماره پیاپی ۳۲



دانشگاه ادبیات و علوم انسانی

مقاله علمی-پژوهشی

اولین حسینه‌های ایران بر پایه الواح وقفی

محمد مشهدی نوش آبادی^۱

۱. دانشیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران. رایانامه: mmn5135@kashanu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶	با اینکه سابقه برگزاری آیین‌های عزاداری محرم به دوره آل بویه می‌رسد، اما عزاداری‌های محرم در ایران دوره صفوی چنان توسعه یافت که ایجاد بناهای مخصوص عزاداری را ایجاب می‌کرد. گرچه بسیاری از تکیه‌ها که مرکز گردهمایی صوفیه، قلندران و اهل فتوت بود، محل برگزاری آیین‌های محرم بود، اما در ساختار شهری ایران عنصر جدیدی به نام حسینیّه - منسوب به حسین بن علی و ویژه عزاداری محرم - متولد شد. ابهام درباره زمان احداث اولین حسینیّه‌ها، پژوهشگران را به گمان و تخمین واداشته است. این مقاله درصدد است با تکیه بر سه لوح وقف‌نامه‌ای دوره صفوی به این سؤال پاسخی مبتنی بر شواهد تاریخی بدهد. روش تحقیق به صورت اسنادی و مشاهده‌ای است و داده‌ها با توجه به دیگر اسناد تاریخی تحلیل شده است. بر اساس این پژوهش، علی‌رغم وجود حسینیّه خانقاه نطنز در دوره شاهرخ تیموری، این بنا مخصوص عزاداری محرم نبوده است، بلکه اولین حسینیّه در ایران به دنبال توسعه آیین‌های محرم و تخصیص موقوفات به این آیین‌ها در دوره سلطان حسین صفوی و حدود ۱۱۲۰ هجری شکل گرفته‌اند. حسینیّه مسجد قاضی آران و بیدگل، حسینیّه میدان امیر چخماق و حسینیّه مسجد سر پلک یزد از آن جمله‌اند. این شواهد نشان می‌دهد به احتمال زیاد در این دوره حسینیّه‌های دیگری هم در ایران ساخته شده و باید این مقطع تاریخی را به عنوان زمان ساخت اولین حسینیّه‌ها در نظر گرفت.	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷		
واژه‌های کلیدی:		
حسینیّه امیر چخماق یزد، حسینیّه سر پلک یزد، حسینیّه قاضی آران و بیدگل، وقف نامه اولین حسینیّه‌ها، سلطان حسین صفوی		
استناد به این مقاله: مشهدی نوش آبادی، محمد (۱۴۰۱). اولین حسینیّه‌های ایران بر پایه الواح وقفی. فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی.		
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران		

مقدمه

پرکاربردترین مکان مذهبی شیعیان که به برگزاری مراسم سنتی عزاداری و روضه‌خوانی به‌ویژه برای امام حسین و یارانش اختصاص دارد و در ماه محرم و صفر در حسینیه آیین‌های ویژه سوگواری مانند سینه‌زنی، روضه‌خوانی، نوحه‌خوانی، تعزیه‌خوانی، ذکر مصائب اهل بیت و وعظ برگزار می‌شود. امروزه در کشورهای شیعه‌نشین مانند ایران، عراق، افغانستان حسینیه‌های متعدد با ساختار فضایی متنوع ساخته می‌شود. برخی منفرد و برخی در ترکیب با عناصر دیگر مانند کتابخانه، باغ، ایوان، حمام، مسجد و آب‌انبار ساخته می‌شوند. ساختمان حسینیه‌ها معمولاً ساده است اما برخی از لحاظ تزئینات داخلی و بیرونی حائز اهمیت هستند. در نسبت با بافت شهری حسینیه‌ها گاه در مجموعه مرکز محلات اهمیت زیاد دارند و گاه بخشی از خانه‌های شخصی عنوان و کاربرد حسینیه پیدا می‌کنند. (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۳: ج ۱۳؛ ذیل واژه) حسینیه‌ها از پرشمارترین فضاهای دینی و مذهبی در جهان تشیع‌اند، به‌طوری‌که تقریباً در همه محله‌های شیعی دست‌کم یک حسینیه دائمی وجود دارد. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ شمسی حدود ۷۵۲۸ حسینیه در ایران وجود داشته که ۱۱٪ از اماکن دینی و مذهبی کشور را تشکیل می‌دهد. (میرمحمدی، ۷۱ و ۷۲)

در کنار حسینیه، تکیه‌ها نیز از مراکز عزاداری به شمار می‌روند. تکیه که محل تجمع جوامع صوفیانه و درواقع همان خانقاه است از دوره صفوی مفهوم گسترده‌تری یافت و مراد از آن مرکزی برای عزاداری و تعزیه‌خوانی بود؛ از اواخر دوره قاجار این کاربرد چنان فراگیر شد که دیگر اقامتگاه‌های صوفیان به‌ندرت به این نام خوانده می‌شد. در این دوره در بسیاری نقاط اگر جایی برای تعزیه می‌ساختند یا برای نخستین بار جایی را به این منظور در نظر می‌گرفتند، آن را تکیه می‌نامیدند (منفرد، ۱۳۸۳: ج ۸؛ ذیل واژه). گزارش‌های متعدد از وجود تکایای فراوان مخصوص عزاداری در شهرهای مختلف ایران در دوره قاجار حکایت می‌کند (پیترسون، ۱۳۶۸: ۱۱۲ و ۱۱۳؛ نراقی، ۱۳۶۵: ۱۰۶؛ همو، ۱۳۸۲: ۲۲۱ و ۲۲۲). بنا بر آمار سال ۱۳۷۵ در ایران بیش از ۱۸۰۰ تکیه به‌عنوان مرکز عزاداری وجود داشته است (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۷۵)، با این اوصاف تنها مکانی که اساساً مخصوص عزاداری محرم ساخته شده حسینیه است و امروزه نیز ساخته می‌شود حسینیه نام دارد.

یکی از سوالات و ابهامات در این باره آن است که اولین حسینیه مکانی منسوب به امام حسین و به‌عنوان محل مخصوص عزاداری‌های محرم و صفر از چه زمانی ایجاد شد؟ پرسشی که این مقاله در صدد پاسخ به آن است. گرچه در این باره با فقر منبع روبه‌رو هستیم اما از اواخر دوره صفویه و به‌طور مشخص در دوره حکومت سلطان حسین، آیین‌های عزاداری گسترش چشمگیری یافته و بر آن موقوفات

زیادی تعلق گرفته است. از این مقطع تاریخی وقف‌نامه‌هایی برجای مانده که در آن به مکان حسینیّه، تاریخ ساخت، کاربرد عزاداری، اختصاص موقوفه به آن و نام واقف اشاره شده است. این در حالی است که قبل از این مقطع تاریخی، علی‌رغم برگزاری آیین‌های عزاداری محرم، اشاره به مکان مخصوص عزاداری محرم نشده است. بدین منظور در این مقاله چهار وقف‌نامه بررسی شده است. یکی از آنها وقف‌نامه خانقاه حسینیّه نطنز از دوره تیموری است که کاربرد ویژه عزاداری ندارد، اما به امام حسین منسوب است؛ سه لوح وقفی دیگر از اواخر دوره صفوی است که به حسینیّه به عنوان مکان عزاداری امام حسین تصریح شده است. انحصار بحث به این چند موقوفه به دلیل آن است که نگارنده به اسناد دیگری درباره ساخت اولین حسینیّه‌ها دست نیافته است، اما اشاره به سه حسینیّه با تاریخ بسیار نزدیک، کنار قراین دیگر این فرضیه که اولین حسینیّه‌ها در اواخر دوره صفوی ایجاد شده‌اند را تقویت می‌کند.

پیشینه تحقیق

محمد مشهدی نوش آبادی در مدخل حسینیّه دانشنامه جهان اسلام کلیاتی درباره حسینیّه و انواع و اقسام آن در دنیای شیعه به ویژه ایران و عراق پرداخته است (۱۳۹۳). بهناز امین زاده نیز در «حسینیّه‌ها و تکایا؛ بیانی از هویت شهرهای ایرانی» به این موضوع پرداخته است (۱۳۷۸). به جز آن در کتاب و مقالاتی که در بررسی معماری شهرهای ایران به ویژه شهرهای کویری مانند یزد، تفت، بیرجند نوشته شده، مباحثی نیز به نقش حسینیّه‌ها در ساختار معماری محلات و شهرها اختصاص یافته است (توسلی، ۱۳۷۹؛ شریفی، ۱۳۶۸؛ سلطان‌نژاد، ۱۳۶۲). برخی از این پژوهشگران به صورت کلی و بدون ذکر دلایل و شواهد پیدایش حسینیّه‌ها را در بازه زمانی حکومت صفوی می‌دانند (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۸۳، ۱۴۷؛ شریفی، ۱۳۶۸: ۲۷۰).

همچنین مسعود ناری قمی در مقاله «الگوهای کالبدی حسینیّه‌ها؛ ریشه‌ها و تحولات» (۱۳۹۵) در جست‌وجوی روندهای کالبدی - فرهنگی است که به ظهور پدیده منحصربه‌فرد شهری ایران دوران اسلامی، یعنی «حسینیّه» منتهی شده است. نویسنده تلاش دارد با تأکید بر شکل‌شناسی مکان‌های عمومی در معماری ایران مانند مدرسه، مسجد، تکیه و کاروانسرا و همچنین شیوه‌های مرسوم آیین‌های عزاداری، ساختار اولیه حسینیّه‌ها که به‌زعم وی تحول‌یافته دیگر عناصر معماری هستند را تعیین کند، اما همان‌طور که خود اذعان دارد توجهی به اسناد تاریخی نکرده و این فرض که حسینیّه به عنوان بنایی

جدید در دوره‌ای از تاریخ ساخته شده را به کنار می‌نهد. لذا علی‌رغم قدرت تحلیل و استدلال، فرض اصلی نویسنده بی‌پایه است، زیرا چنانکه در این مقاله نشان داده شده، حسینه‌ها با این نام و به‌منظور برپایی عزاداری محرم از دوره‌ای خاص ایجاد شده‌اند.

نگاهی به روند تاریخی و مکان‌های عزاداری‌های محرم در ایران

اولین آیین‌های دسته‌جمعی سوگواری بر امامان شیعه و به‌ویژه امام حسین را می‌توان در منابع تاریخی دوره حکم‌فرمایی پادشاهان شیعی و ایرانی آل‌بویه در بغداد که بخشی از حوزه فرهنگی ایران است، جستجو کرد. گرچه پیش از آن نیز در گزارش‌هایی مانند آنچه قاضی تنوخی روایت کرده، سنت نوحه‌خوانی و عزاداری در حوزه عراق، علی‌رغم خشونت شدید حنبله از اواخر سده سوم نیز جریان داشته است (قاضی التنوخی، ۱۹۸۱: ۲۳۰-۲۳۳)، اما در دوره آل‌بویه با رسمیت یافتن عزاداری و آزادی عمل شیعیان نسبت به دوره‌های پیشین، کنش‌هایی مانند دسته روی‌ها و حرکات نمادین عزاداری مانند بستن مغازه‌ها، آویختن پلاس بر سردر آن و همچنین برداشتن نمادهای عزاداری مانند تابوت‌واره (ابن جوزی، ۱۹۹۲: جلد ۱۶، ص ۱۶؛ جلد ۱۵، ص ۲۴۱؛ مقایسه شود با فقیهی، ص ۴۷۱ و ۴۷۲) و حتی تصویرسازی وقایع تاریخی مانند آنچه اهل سنت درباره جنگ جمل و شبیه عایشه و طلحه و زبیر ساختند و همچنین رقابت‌ها و کشاکش دسته‌های عزادار به‌ویژه بین شیعیان و گروه‌هایی از اهل سنت کاملاً صورتی متفاوت یافت و ساختاری آیینی به خود گرفت. در این دوره به دستور معزالدوله دیلمی به سال ۳۵۲ مردم خیمه‌هایی را برای عزاداری در خیابان‌ها برپا کردند و گرچه به‌صورت موقت برپا می‌شد اما به‌نوعی اولین مراکز مخصوص عزاداری بودند. در این دوره مشاهد ائمه شیعه در کربلا و نجف و... هم ازجمله مکان‌های دسته روی عزاداران بود (فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۶۶-۴۶۸).

در دوران بعد نیز کم‌وبیش عزاداری ایام محرم در حوزه ایران انجام می‌شد؛ قزوینی رازی از مجالس سوگواری باشکوه عالمان و امرای سنی و شیعه در دوره سلجوقی در شهرهای ری، اصفهان، همدان، ساوه و بغداد، خبر می‌دهد که در آن هزاران نفر شرکت داشته و ضمن ذکر مصیبت امام حسین بر سروسورت خود زده، دستار از سر بر گرفته، جامه دریده و خاک‌برسر می‌کرده‌اند. در این دوران آیین‌های عزاداری در میدان‌ها، کاروان‌سراها، مدارس و مساجد و جوامع بوده است (قزوینی رازی، ۱۳۳۱: ۴۰۲-۴۰۶ و ۶۴۶-۶۴۸).

در دوره ایلخانی به جهت پایان خلافت رسمی بغداد و تساهل و تسامح دینی مغولان که عموماً پیرو دین بودائی بودند، شیعیان آزادی عمل بیشتری پیدا کردند. به ویژه بعد از آن که غازان خان اسلام آورد

و به تشیع گرایش داشت و جانشینش الجایتوخان تشیع را پذیرفت. در این دوران به‌نوعی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آیین‌های شیعه فراهم آمد. طرفه آن که برای اولین بار در اواخر دوره ایلخانی و در حدود سال ۷۳۳ هجری در وقف نامه عظیم رکنیه موقوفاتی برای برگزاری عزاداری عاشورا تعیین شد، در وقف نامه دارالسیاده یزد، واقف شمس الدین پسر رکن الدین یزدی برای انجام سالیانه سفره اطعام به مناسبت شهادت امام حسین در روز عاشورا موقوفاتی منظور کرده است (افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۴۷۹). این روند با قوت بیشتر در دوره تیموری ادامه یافته و رفته‌رفته عاشورا به‌عنوان یکی از روزهای مقدس چندگانه سال شناسایی شده و موقوفاتی برای آیین‌های مخصوص آن وضع شد. ملاحسین کاشفی از مجالس باشکوه عزاداری بر امام حسین در دوره تیموری یاد می‌کند (کاشفی، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۴). همچنان که در وقف نامه حسینییه خانقاه افوشته نطنز رسم اطعام در شب عاشورا در کنار چند روز و شب مقدس سال معین می‌شود. در این دوره سلاطین نیز بانی آیین‌های عاشورا و اطعام آیین گزاران بودند، نمونه آن سلطان حسین بایقرا (وفات ۹۱۱) است که در ایام عاشورا دو گوسفند آش «بر فقرا و مساکین تصدق می‌کرد» (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۵). در این دوره گروه‌های صوفی و مانند قلندریه که اعمال آیینی خاصی داشتند، نیز از این قاعده مستثنا نبودند و در رفتارشان نزدیکی‌هایی با تشیع نشان می‌دادند (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۷۳-۱۱۷). از فحوای سخن کاشفی برمی‌آید در سده نهم مراکزی که سقایان و مداحان پیامبر و خاندانش تردد داشتند، مساجد، خانقاه‌های صوفیه و اهل فتوت و لنگر قلندران بود (کاشفی، ۱۳۵۱: ۲۹۶). در واقع گروه‌های صوفی و قلندری رفته‌رفته وارد معرکه‌های عزاداری شده و تکیه‌ها و لنگرهای خود را به مکان عزاداری تبدیل کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۴-۱۳۶؛ شبی، ۱۳۷۴: ۳۲۷؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۲۴۳؛ مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۸۰).

۱. حسینییه سید واقف افوشته نطنز

قدیمی‌ترین اشاره به حسینییه در نسبت با نام حسین بن علی مربوط دوره تیموریان و سال ۸۵۷ هجری است. این حسینییه که هنوز آثاری از آن برجای مانده و اتفاقاً بخشی از آن در دوره‌های بعدی تبدیل به حسینییه مخصوص عزاداری شده است، در مجموعه موقوفات سید واقف در آبادی افوشته نطنز قرار دارد و اکنون جزو شهر نطنز است. این بنا در بخشی از سرای بزرگ امیر حسن بن حسین بن محمد حسینی قرار داشته که بنا بر کتیبه سردر باشکوه برجای مانده آن، در سال ۸۴۹ هجری در زمان شاهرخ میرزا ساخته شده است (نک؛ اسدی و جیحانی، ۱۳۹۷: ۱۳). از این مجموعه که شامل خانقاه، گنبد، باغ، چهارصفه، حمام، آسیاب، قنات، آب‌انبار و... بوده است، وقف نامه‌ای مربوط به سال ۸۵۷ باقی است که

بر اساس آن بخشی از این بنا تبدیل به خانقاه شده و موقوفاتی بر آن مترتب شده است. در وقف نامه خانقاه حسینه آمده است:

«خانه‌ای را که [حسن بن حسین بن محمد حسینی] از برای اقامت خود اتیان به احداث آن نموده بود و ابواب آن به ریاض و بساطین (بساتین) گشوده، واقع به قریه طیبه افوشته از قرای مدینه نطنز از توابع دارالامان اصفهان مسبل گردانید و از تملک آن اعراض نمود و آن را موسوم گردانید به خانقاه حسینه یعنی منسوب به حضرت سبط رسول، فلذه کبد البتول، گوشواره عرش رحمان، جگرگوشه پیغمبر آخرالزمان، سرور شهدا، نوباه باغ اصطفا، هادی الثقلین، بدرالخافقین، شمع سرای رسالت، بل خورشید سماء جلالت، معدن جواهر معرفت، کافل مصالح امت... ثانی السبطین، امام الدارین، السیف الغاص، حسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما، ما زهر انوارالزهراء و بهر القمر فی لیلہ القمر» (شیخ الحکمای، ۱۳۸۸: ۴۰) در ادامه نیز درباره کاربری آن آمده است: «و وقف نمود آن خانقاه را با بساطین (بساتین) متصله به آن با توابع و لواحق و مضافات... بر ابناءالسبیل از سادات و علما و صوفیه و فقرا... به شرط آن که زیاده از اقامت مسافرین توطن ننمایند» (همان، ۴۱).

هم نام‌گذاری مرکزی خانقاه به نام امام حسین بدیع و عجیب می‌نماید و هم اینکه افرادی که برای خدمت در این خانقاه تعیین شده‌اند، تناسب با مناصب معمول خانقاهی مانند شیخ و مرید ندارند، بلکه بیشتر به ارکان مدرسه علمیه و مسجد شباهت دارند، وظایفی نیز که بر عهده آنان است بیشتر مربوط به همین مکان‌هاست: یک نفر مدرس که علوم شرعیه را در خانقاه مذکور افاده کند، چهار نفر طلبه که به استفاده از علوم شرعیه قیام نماید، امام مسجد، مؤذن، فراش هرکدام یک نفر و دو حفاظ که یکی در خانقاه و دیگری در مقبره واقف که در همین مجموعه است، قرآن بخواند. (همان، ۴۳) این وقف نامه نشانه‌ای از افول سنت خانقاهی در ایران عهد تیموری نیز هست.

نمی‌توان این خانقاه را به‌عنوان اولین حسینه مخصوص عزاداری تصور کرد، زیرا در برنامه‌ها و آیین‌های روزانه و سالانه این خانقاه جز اطعام فقرا در روز عاشورا، برنامه دیگری مربوط به آیین‌های محرم نیامده است، از مرور بخشی از وقف نامه که به تعیین یک نفر طبّاخ و وظایف وی اشاره شده، می‌توان به آیین‌های سالانه این خانقاه پی برد: «ایام و لیالی متبرکه مثل عیدین و لیل‌القدر اعنی شب بیست و هفتم رمضان و شب برات و روز دوازدهم ربیع‌الاول و روز عاشورا، پانصد دینار کپکی به اطعمه لایقه صرف نمایند و در شب‌های ماه رمضان پنج من برنج سفید و یک من روغن گاو و پنج من دوشاب و دو من روغن کنجد از برای حلوا و پنج من نان. روشنایی در لیالی متبرکه شمع نیم‌من روغن چراغ نیم‌من و در شب‌های دیگر آن مقدار که ضرورت باشد از روغن چراغ». (همان، ۴۴)

بنابراین گر چه این خانقاه کارکرد معمول مرکز صوفیانه فاصله دارد، اما جایی مخصوص عزاداری محرم نیست و عنوان حسینی بر آن نیز بیشتر جنبه تکریم و احترام دارد، اما از این جهت که خانقاه حسینی اولین مکان شناخته شده در ارتباط با نام حسین بن علی است، اهمیت دارد.

البته در این دوران مکانی در شهر قم نیز به نام خانقاه حسینی شهرت داشته و برخی به اشتباه آن را با حسینی مخصوص عزاداری امام حسین یکی گرفته‌اند (آژند، ۱۳۸۵: ۳۹). بر اساس نوشته قاضی احمد قمی در خلاصه التواریخ این خانقاه از آن کمال‌الدین حسین مسیبی است، وی که در زمان شاهرخ متصدی امور دیوانی و معماری و در زمان ترکمان کلانتر قم بوده است، «خارج درب کهنگان مدینه قم زاویه‌ای ساخته موسوم به حسینی مشتمل بر عمارات عالی و باغی همچون ارم ثانی و خود خرقه و جبه پوشیده و در آن زاویه معتکف بودند». (قمی، ۱۳۵۸: ج ۱: ۷۹) طبعاً نسبت حسینی برای این خانقاه به سازنده آن حسین مسیبی مربوط است، زیرا نام گذرای بنا به اسم بانی امری معمول است.

۲. آیین‌های محرم در دوره صفوی و توسعه موقوفات عزاداری در دوره سلطان حسین

تقریباً تمام سنت‌ها و آیین‌های امروزی عزاداری به‌نوعی با صفویه مربوط است، درواقع حکومت صفویه محمل مناسبی برای بروز و گسترش آیین‌های عزاداری بود، زیرا صفویان برپایی آیین‌های عزاداری و بزرگداشت امام حسین و دیگر ائمه را ازجمله اهداف مذهبی خود می‌دانستند. بنا بر گزارش‌های متعدد سیاحان این دوره، در ایام عزاداری امام حسین آیین‌های مختلف به‌طور گسترده در ایران برگزار می‌شده است (نک؛ مظاهری، ۱۳۹۷: ۵۹ - ۲۱۴). افندی (وفات ۱۱۲۷ هـ) از عالمان شیعه دوره سلطان حسین درباره گسترش این آیین‌ها می‌نویسد: «سال‌هاست که در آیین ملوک و سلاطین صفویه - انار الله برهانهم - در باب تعزیه‌داری برای حضرت امام حسین علیه‌السلام در دهه اول محرم الحرام خصوصاً در روز عاشورا در همگی ولایات ایران، پیوسته این‌چنین بنا گذاشته‌شده، بلکه هرروزه در هر سالی بعضی از اطوار غریب و برخی از اوضاع قریب به ایران نیز به‌تدریج بر آن اطوار سابق خود افزوده و می‌افزایند» (جعفریان، جلد ۱، ۱۳۷۳: ۴۶۴ و ۴۶۵).

با توسعه عزاداری‌ها ضمانت برگزاری سالانه این آیین‌ها مدنظر قرار گرفته و موقوفاتی مخصوص آن ایجاد می‌شود ازجمله موقوفه‌هایی برای آیین روضه‌خوانی که به‌صورت سنتی پایداری در ایران درآمد. موضوع بخش زیادی از موقوفات دوره صفوی، به‌ویژه دوره سلطان حسین برگزاری آیین عزاداری امام حسین است (احمدی، ۱۳۸۵: ۹ - ۱۱). موقوفات عزاداری این دوران دو شکل دارد، برخی از آن‌ها مخصوص عزاداری است و برخی ضمن موقوفات دینی دیگر آمده است. مورد اخیر موقوفه‌هایی در مکان‌های دینی و آموزشی شامل بقعه‌ها، مساجد و مدارس است که سهمی از آن به برگزاری مراسم

عزاداری اختصاص می‌یافت. برای نمونه در وقف نامه مدرسه مصلا و بقعه اسحاقیه واقع در نزدیکی میدان میر چخماق یزد از سال ۱۰۵۳ هجری به موقوفاتی جهت برگزاری روضه خوانی و ذاکری در عزاداری محرم اشاره شده است. در این وقف نامه واقف اسحاق بیگ یزدی «مولانا عبدالغفور را بجهت خواندن خطبه و روضه در مصلا مقرر فرمودند مشروط بر آنکه مادام که به این امر خطبه و روضه تواند قیام نمود، هر ساله مبلغ یک تومان و پنج هزار دینار» به وی پرداخت شود. همچنین در ادامه موقوفات این مدرسه آمده است: «و بجهت خلعت خطیب و ذاکران که در ایام اعیاد و عاشورا در بقعه اسحاقیه مصلا جمع می‌شوند مبلغ یک تومان و پنج هزار دینار فلوس رایج عراق مقرر نمودند» (افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۶۲۶).

همچنین میرزا شفیعا و مریم بیگم که هر دو واقف دو مدرسه هستند در وقف نامه‌های خود تصریح کرده اند که در ایام ماه رمضان و محرم باید در مدارس احداثی آنان روضه سیدالشهدا خوانده شود (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲) سلطان محمود حاجی افضل در وقف نامه‌ای به سال ۱۱۲۱ هجری که بخشی از آب قنات کشاورزی را وقف بقعه مزار خود نموده و از جمله مقرر کرده در شب‌های برات، رغاب، بیست و یکم ماه رمضان و شب قتل (عاشورا) در این بقعه حلوا صرف فقرای نمایند (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۵۱). وقف نامه حاجی نظر آقا در اصفهان شامل سه وقف نامه که دو بخش آن مربوط به طواف کعبه و زیارت قبور ائمه در شهرهای مدینه، نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد توس به نیابت از واقف است. اما در بخش سوم وقف نامه (۱۱۱۹ ه.ق) متولی سالی هشت تومان در اختیار محمدعلی بیگ، غلام آزادشده واقف قرار می‌دهد تا در ایام عاشورا صرف تعزیه خامس آل عبا شود (جعفریان، جلد ۲، ۱۳۷۳: ۸۸۵ و ۹۰۱).

وقف نامه عزاداری در فرح آباد اصفهان نمونه جالب از اختصاص تمام موقوفه جهت عزاداری محرم است، واقف سلطان حسین صفوی است و محل برگزاری آیین‌ها کاخ فرح آباد اصفهان است (جعفریان، ج ۲، ۱۳۷۳: ۹۰۳-۹۱۲). در این وقف نامه که سال ۱۱۲۸ هجری تنظیم شده است، مقرر شده حاصل موقوفات مزبوره هر سال در ایام عاشورا، بیست و یکم رمضان و روز اربعین صرف اخراجات تعزیه حضرت سیدالشهدا که حدیث ائمه گویند شود، واعظان احادیثی درباره تعزیه آن امام معصوم شهید مظلوم واقع شده و مرثی آن امام عالی مقام در شهر فرح آباد بیان کنند و روضه بخواند و جمعی از مؤمنین و مؤمنات در آن جمع حاضر باشند به تعزیه مشغول گردند و قدری که مناسب دانند، به آن طالب علم دهند و تتمه را با طبخ

حلیم در شب عاشورا و در ایام مزبوره و نان گندم و سایر مأكولات به جز چیزهای شیرین مثل حلوا^۱ به جهت جمعی در آن مجمع به خدمات مشغول باشند، صرف نمایند (همان، ۹۱۰). همچنین در وقف نامه مدرسه سلطان حسینیہ اصفهان (۱۱۰۷ تا ۱۱۳۳) مقرر شده است مبلغ بیست تومان در ایام عاشورا در مدرسه مزبور صرف مراسم تعزیه نمایند (همان، ۹۲۲). چنان که مشاهده شد توجه سلطان حسین به امر عزاداری محرم و ایجاد موقوفات جهت برگزاری سالانه آن دیگر دولتمردان و صاحب منصبان و خیرین را به وقف برای آیین‌ها وامی‌داشت. این سنت تقریباً در همه شهرها جاری بود و اختصاص موقوفه به عزاداری در سال‌های حکومت وی چشمگیر شد.

قدیمی‌ترین حسینیہ‌های مخصوص عزاداری امام حسین

توسعه عزاداری‌های محرم و صفر در دوره سلطان حسین ضرورت ایجاد بناهایی مخصوص عزاداری را ایجاب می‌کرده است، به ویژه آن‌که بانفوذ علمای شیعه، حکومت صفوی رفته رفته از تصوف نیز فاصله گرفت و تمایلی به گسترش تکیه به عنوان مرکزی صوفیانه نداشت. از این‌رو ما شاهد پدیده نوظهور حسینیہ در ساختار مجموعه‌های مذهبی و شهری ایران هستیم. بر اساس اسناد موجود اولین مکان‌هایی که با عنوان حسینیہ و مخصوص عزاداری امام حسین ساخته شده‌اند مربوط به اواخر دوره صفوی و پادشاهی سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵هـ) است. از این دوران است که حسینیہ به عنوان مکانی مهم و محوری در مرکز محلات ایران شکل گرفته و در کنار مسجد، میدان و بازار به عنوان عنصری تازه پدید می‌آید. سه حسینیہ از این دوران می‌شناسیم که هر سه در پیوند با مسجد است. این سه حسینیہ عبارت‌اند از حسینیہ مسجد قاضی آران در شهر آران و بیدگل در منطقه کاشان، حسینیہ جنب مسجد میر چخماق یزد و حسینیہ مسجد سر پُلک یزد. هر سه وقف نامه به لحاظ زمانی کاملاً نزدیک هستند. یکی از آنها از سال ۱۱۲۰ و دودِیگر مربوط به سال ۱۱۲۳ هجری است.

۱. حسینیہ میدان امیر چخماق یزد

قدیمی‌ترین موقوفه مورد بررسی مربوط به هزینه‌ها و نذورات حسینیہ واقع در میدان امیر چخماق یزد در سال ۱۱۲۰ هجری است. بر اساس کتیبه وقف نامه‌ای به تاریخ ۱۱۲۰ که با خط نسخ بر روی سنگ مرمر قهوه‌ای‌رنگ به ابعاد ۳۶ در ۱۰۳ سانتی‌متر در کریاس مسجد میر چخماق نوشته شده (افشار

^۱ - ممنوعیت خوردنی‌های شیرین در وقف نامه‌ها عمومیت ندارد بلکه در برخی از وقف نامه‌ها تهیه آن تصریح شده است (نک: احمدی، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۱۲).

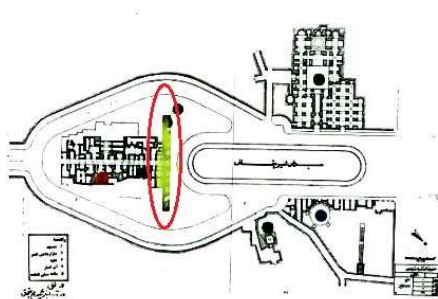
ج ۲، ۱۳۵۴: ۱۸۵؛ دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۳۹)، عواید یک قهوه‌خانه بر عزاداری سیدالشهدا در حسینه جنب مسجد وقف شده است. (تصویر ۱) واقف میرزا محمد محسنا وزیر دارالعباده یزد همگی و تمامی یک باب قهوه‌خانه وسیعه معینه متصله به میدان و بازار محله میر چقماق را بر تعزیه سیدالشهدا مقرر کرده تا آنچه هرساله از مداخل و اجاره آن به عمل آید، پس از تعمیرات ضروری، «صرف فرش، و بعد از آن سوخت و روشنایی معمول حسینه مزبوره و گرفتن کاغذ پنجره قهوه‌خانه و ابقای کرباس سیاه پوشش دوره حسینه و شدهای چهل گیسوی وقفی معینه و اگر چیزی از آن زائد باشد در شب عاشورا به فقرا و مساکین اطعام نمایند» و اگر احیاناً «از این مصرف چیزی زیاده آید صرف روشنایی مسجد جامع محاذات قهوه‌خانه مزبور شود». این وقف نامه در ۲۶ شوال سال ۱۱۲۰ تحریر شده است (افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۱۸۵ تا ۱۸۷). ایرج افشار مراد از حسینه وقف نامه را همان حسینه‌ای می‌داند که غرفه‌ها گلدسته‌های بلند و زیبایی آن بر سردر بازار مشرف به میدان میرچقماق ساخته و به اسلوب تکایای یزد ساخته و تبدیل به نماد شهر یزد شده است (همان، ۱۸۶)، گر چه بخش‌های سردر در سده سیزدهم هجری به حسینه اضافه شده است (همان: ۷۰۸؛ تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۱. کتیبه موقوفات حسینه میرچقماق یزد. ماخذ دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۳۹



تصویر ۲ و ۳ به ترتیب تصویر و پلان نمای قدیمی حسینیه امیر چخماق (مأخذ: ppt90.ir/powerpoint-projects)



تصویر ۴ و ۵. تصویر و پلان نمای جدید حسینیه و میدان امیر چخماق (مأخذ: ppt90.ir/powerpoint-projects و mizboon.com)

باید توجه داشت بر اساس وقف نامهٔ برجای مانده از مجموعه امیر چخماق، امیر جلال الدین چخماق شامی حاکم یزد در دوره شاهرخ به سال ۸۴۱ هجری اقدام به ساخت و وقف پنج گانه‌ای شامل مسجد خانقاه، مصنعه (آبانبار، برکه)، نهر و چاه آب سرد اقدام کرد (افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۱۷۰). در وقف نامه ذکر شده که وی در جنب مسجد خانقاهی ساخت و مورد وقف و آیندگان و روندگان به خانقاه را معین کرد (همان: ۱۶۹) و موقوفاتی برای آن مقرر کرد تا هرسال ۳ هزار دینار کپکی در وجه سفره و آش و یکصد دینار کپکی در لیالی متبرکه صرف شود (همان: ۱۷۸). از این مجموعه تنها مسجد آن هنوز برجای است اما از خانقاه جنب مسجد خبری نیست. با توجه به تبدیل خانقاه‌ها و تکایای صوفیه به

مراکز عزاداری ممکن است حسینیه موجود که به تکیه نیز شهرت دارد، درواقع همان خانقاه یا به‌جای همان خانقاهی مورد اشاره باشد که پس از تغییر کاربری، تبدیل به حسینیه شده و موقوفاتی جهت برگزاری آیین‌های عزاداری بر آن معین شده است (تصاویر ۲ تا ۵).

۲. حسینیه مسجد سرپلک یزد

حسینیه سرپلک در محله‌ای بدین نام و در کنار مسجد سرپلک، ابتدای بازارچه سرپلک در محدوده خیابان‌های قیام و سید گل سرخ، بین محلات حاجی یوسف و دو منار شهر یزد قرار دارد. مسجد سرپلک مجموعه‌ای خشتی شامل شبستان زمستانی، صحن، گنبد و ایوان تابستانی است. این اثر در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۷۹ با شماره ثبت ۲۸۴۶ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (نک؛ صادق احمدی، ۱۳۹۳: ۶۸-۷۱). افشار درباره این مسجد می‌نویسد:

«سرپلک (سرپولک مذکور در تاریخ جدید یزد) محله‌ای است که در قرن هشتم خارج از حصار شهر و نزدیک به دروازه قطریان بوده است. در جامع الخیرات استطراداً از آن به‌عنوان سرپل یاد شده است. مسجد سرپلک متصل است به حسینیه. بنای اصلی قدیم آن به اعتبار کاشیهای تیموری شش‌وجهی با حاشیه سیاه‌وسفید در دیواره‌ها و دست‌اندازهای غرفه‌ها و کاشی معرق با گل و بوته در محراب در قرن نهم ساخته شده بوده و به استناد لوح کاشی مربوط به تجدید بنا در ۱۱۲۳ نوسازی شده است». وی درباره کتیبه ساخت حسینیه اضافه می‌کند: در بالای سر در مسجد از طرف حسینیه یک قطعه کاشی مورخ ۱۱۲۳ نصب است و قطعه‌ای شعر به خط نستعلیق بر آن خوانده می‌شود (افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۲۶۳).



تصویر ۷. پلان مسجد و حسینیه سرپلک
(مأخذ: صادق احمدی، ۱۳۹۳: ۶۸)



تصویر ۶. عکس هوایی مسجد و حسینیه سرپلک
(مأخذ: گوگل)

کتیبه وقف نامه ساخت حسینیّه و تعمیر مسجد را باید قدیمی‌ترین وقف نامه شناخته‌شده‌ای بدانیم که به ساخت حسینیّه اشاره دارد، زیرا دو کتیبه قبلی مربوط به موقوفات اختصاص یافته به حسینیّه است و تاریخ ساخت آن دو حسینیّه که ممکن است هم‌زمان یا کمی قبل‌تر از موقوفات به آن باشد معلوم نیست. این کتیبه شامل ۱۶ بیت شعر به خط نستعلیق است که متن اشعار در داخل طرح محراب همراه قاب‌نماهای مستطیل شکل مزین به نقوش اسلیمی آمده و در بالای آن نقش اسبی میان گل‌بوته دیده می‌شود (همان، ۲۵۶). این کتیبه منظوم به ساخت حسینیّه در کنار مسجدی قدیمی به دست حاجی نصیر «در روزگار دولت سلطان حسین شاه» اشاره دارد که بر اساس آن حاجی نصیر در تاریخ ۱۱۲۳ هجری مسجد کهنه‌ای را بازسازی و در کنار آن حسینیّه‌ای جهت عزاداری امام حسین ساخته است. برخی از ابیات کتیبه که دلالت مستقیم به ساخت حسینیّه دارد این است:

در روزگار دولت سلطان حسن شاه/شاهنشاه ممالک دین خسرو زمان

حاجی تفسیر که قبله اهل [کرمست]/منظور لطف و رحمت خلایق انس و جان...

نوگشته مسجد کهن از حسن سعی او/ ز [آب یقینش] شده چون روضه جنان...

توفیق یافت از شه مظلوم کربلا/تا از کرم حسینیّه سازد بجنب آن

همت گماشت باز بتعمیر این بنا/ بهر خروش جمع مصیبت رسد [گان]^۲.

(افشار، ج ۲، ۱۳۵۴: ۲۶۳؛ قس دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۵۷)

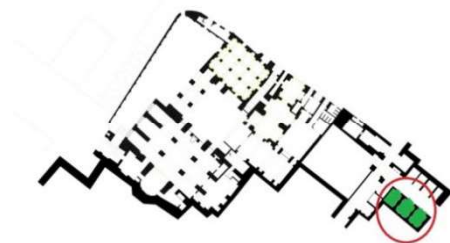
۲. گرچه در پایان کتیبه به صراحت سال ۱۱۲۳ آمده است اما تاریخ ساخت حسینیّه به صورت ماده تاریخ در بیت ۱۳ و هم ۱۵ آمده است: «ای ملتجای جمله محبان اهل بیت»/ تاریخ بود زد چو رقم عقل نکته‌دان؛ تاریخ دیگر از پی اتمام عقل گفت: «اینجا بپاست ناله جوش از حسینیان» معادل ۱۱۲۲ هجری است. باید توجه کرد که گاهی ماده تاریخ‌ها دقیق در نمی‌آمده است و یا همانند اینجا سال تکمیل بنا و ساخت کاشی یک سال پس از سرودن ماده تاریخ بوده است.



تصویر ۸ و ۹. محل نصب و کاشی وقف نامه ساخت حسینه سرپلک یزد (ماخذ: ۱۳۸۷: ۲۵۶)

۳. حسینه مسجد قاضی آران

مجموعه مسجد، حسینه و زیارتگاه قاضی در شهر آران و بیدگل در نزدیکی کاشان قرار دارد و قدمت آن حداقل به دوران صفوی می‌رسد. کتیبه‌ای در زیارتگاه موسوم به ۵ امامزاده این مجموعه از سال ۱۰۵۰ قمری نصب است و کتیبه‌های محراب و پیشانی ورودی زیارتگاه از دوران قاجاری است. در بخش بالایی دو در حسینه، دو سر توغ از دوران صفوی نصب شده که یکی از آن‌ها تاریخ ۱۱۱۹ هجری دارد (مشهدی نوش آبادی و خداداد، ۱۳۹۴: ۱۴۹) و یادگار نوشته‌هایی از دوره زندیه در یکی از شبستان‌های مسجد به چشم می‌خورد.



تصویر ۱۰ و ۱۱. تصویر هوایی (ماخذ گوگل) و پلان مجموعه مسجد، زیارتگاه، بازارچه و موقعیت حسینیه قاضی آران (ماخذ: اداره میراث فرهنگی آران و بیدگل)

حسینیه این مسجد در جوار مسجد، زیارتگاه، آب‌انبار و بازارچه قدیمی و مشرف به میدانی است که امروز نبش خیابان محمد هلال قرار دارد. حسینیه احتمالاً در دوره قاجاری و یا پس از آن بازسازی شده است، سنگ وقف نامه‌ای در ورودی مسجد نصب بود که به دلیل اینکه یک بار این سنگ از جای خود کنده و سرقت شد، آن را پس از یافتن در انباری نگهداری می‌کنند، درحالی که بر اثر کندن دچار شکستگی شده است (تصویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۲ و ۱۳. محل نصب و لوح سنگی کتیبه وقف عواید قبان بر مسجد و حسینیه قاضی آران (ماخذ: نگارنده)

این وقف نامه از سال ۱۱۲۲ است که همانند وقف نامه پیشین بر روی سنگ مرمر قهوه‌ای روشن که موارد مصرف وقف آن نیز مانند وقف نامه حسینه امیر چخماق است. وقف نامه به وقف قپانی اشاره دارد که عواید آن خرج روشنایی و فرش‌های مسجد و حسینه قاضی و اطعام عزاداران حسینه جنب آن گردد. محتوای کتیبه وقف نامه که برای اولین بار نشر می‌شود چنین است:

(۱) بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين (۲) والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين اما بعد (۳) وقف نمودند عزت مانان حاجی الحرمین الشریفین حاجی علی (۴) محمد سلم الله بن مرحمت پناه حاجی غیاث‌الدین نصرآبادی و محمدمنعم (۵) بن المرحوم المغفور حاجی نورالدین آرائی، همگی و تمامی یکدست قپان معین (۶) که الیوم در فضای مسجد قاضی مشهور و حسینه که در جنب مسجد مذکور (۷) واقعست، معمولست مشروط بر آنکه هر انتفاعی که از قپان مذکور حاصل شود (۸) صرف روشنایی و فروش (فرش‌ها) مسجد مذکور و طعام امام حسین و سایر اخراجات ضروریه مسجد نمایند (۹) تا آن مثنوبات (= ثواب‌ها) به روزگار فرخنده آثار اولیاء دولت ابد مدت دوران قاهره عدت (۱۰) و باهره عاید گردد و باعث رسته‌گاری (کذا) یوم لا ینفع المال و لا بنون (۱۱) گردد، وقفا صحیحا شرعیا مابداً و کان فی غرة شهر (۱۲) صفر المظفر سنه اثنی و عشرين و مائه و الف ۱۱۲۲.

در این وقف نامه هم ضمن اشاره به مکانی به نام حسینه در جنب مسجد قاضی به وقف عواید قپان بر روشنایی و فرش مسجد و طعام عزاداران امام حسین اشاره دارد.

تحلیل محتوای کتیبه‌ها

۱. حسینه در کنار مسجد و بازار

اولین نکته مورد توجه مجاورت هر سه حسینه با مسجد و به نوعی جزو و مکمل آن بنا هستند. درواقع با توسعه عزاداری‌ها، به ویژه روضه‌خوانی، سینه‌زنی، دسته روی، ساخت بنایی مخصوص عزاداری را ایجاد می‌کرد، لذا لازم می‌آمد که در کنار مسجد محلی برای عزاداری ساخته شود. شاید احکام راجع به مسجد مانند ممنوعیت ورود زنان به مسجد در زمان عادت ماهیانه و جز آن که امکان برگزاری آیین‌های محرم در آن را محدود می‌ساخت نیز در ساخت مکانی غیر از مسجد برای عزاداری تأثیر داشته است، لذا هر حسینه در کنار مسجد و گویی مکمل آن ایجاد می‌شده است، چنان که رفته‌رفته حسینه در کنار مسجد، میدان و بازار یکی از ارکان مهم مرکز محله شناخته شده و محلات نه با مساجد بلکه با حسینه از یکدیگر تفکیک می‌شدند. زیرا هر حسینه اختصاص به یک محله داشت، اما تعداد مساجد

در هر محله زیاد بود و به‌عنوان عنصر هویت‌بخش محله شناخته نمی‌شد و چنان‌که برخی اذعان دارند وجود حسینی‌ها تا حدود زیادی از مرکزیت بی‌همتای مساجد کاست. (سلطان‌نژاد، ۱۳۶۲: ۱۴۹)

محل استقرار حسینی‌ها از جنبه دیگر نیز قابل توجه است و آن قرار گرفتن در مرکز اقتصادی و بازار محل است. هر سه حسینی‌ها با عنصر بازار در ارتباط هستند و این کارکرد را تا امروز هم حفظ کرده‌اند. در حسینی‌ها امیر چخماق به‌صراحت اشاره به بازار شده است و موقوفه آن یعنی قهوه‌خانه نیز در بازار قرار داشته و امروز نیز حسینی‌ها در ورودی بازار است. حسینی‌ها سرپلک در جنب بازار محل واقع است، اما مسجد قاضی موقوفه جالب‌تری دارد و آن قیام بزرگی است که در مرکز تبادلات اقتصادی محلی و شهری قرار داشته و مستقیماً با انواع کسب‌وکار مربوط است، ضمن آن‌که امروزه نیز کم‌وبیش بازار جنب حسینی‌ها رونق دارد.

۲. حسینی‌ها جایگزین خانقاه

مقایسه این سه وقف نامه با وقف نامه‌هایی مانند وقف نامه رکن‌الدین یزدی، امیرچقماق یزد، مجموعه عمادی کاشان و حتی ربع رشیدی تفاوت جالبی نشان می‌دهد. بدین لحاظ که در وقف نامه‌های ذکرشده واقفان معمولاً در کنار و در ملازمت با مسجد و احیاناً مدرسه، خانقاهی نیز بنا و وقف می‌کردند، اما در این سه لوح وقفی موردبحث، در کنار مسجد، عنصر جدیدی جای خانقاه را گرفته و آن حسینی‌ها است، گویا عدم توجه حاکمان صفوی به خانقاه و مخالفت علمای شریعت بر تصوف و در نتیجه جهت‌گیری آیینی گروه‌های صوفی، قلندری و اهل فتوت در تبدیل این مراکز صوفیانه به‌عنوان محل برگزاری آیین‌های عاشورا، رفته‌رفته موجبات افول سنت خانقاهی در ایران را فراهم کرده است.

حتی در این دوران موقوفات مربوط به خانقاه نیز از طرف برخی موردتردید واقع شده و علمای برجسته مانند محمدباقر مجلسی موارد وقف خانقاه را باطل می‌دانستند. در رساله سؤال و جواب مجلسی شخصی در این باره چنین استفتاء کرده است: «هرگاه مصرف وقف را امر نامشروعی قرار دهند، مثل آن‌که ملکی را وقف کرده باشند که حاصل آن صرف غنا و چرخ زدن که از بدعت‌های بعضی متصوفه است نمایند، چه حکم دارد؟ جواب: مشهور آن است که آن وقف باطل است.» (نک: احمدی، ۱۳۸۵: ۱۶). پس بدین دلایل و بنا بر شواهد تاریخی خانقاه‌ها یا همان تکیه‌های صوفیه به مرکز عزاداری تبدیل شد و ساخت خانقاه به‌عنوان موقوفه‌ای معمول در ایران غیرمعمول شد. در این میان گروه‌های اهل فتوت و جوانمردان که متولی آیین‌های مختلف در شهرها بودند نیز مراکز صوفیه را پایگاهی مناسب و کافی برای برگزاری این‌گونه آیین‌ها نمی‌دیدند و لذا عنصر جدیدی در معماری شهری ایران شکل گرفت و آن حسینی‌ها بود. سنت آیین‌های رفته‌رفته در دوره قاجاری از جوانمردان به لوطی‌ها (نک: مستوفی، ج ۱،

۱۳۷۱: ۳۰۴) و در دوره پهلوی و پس از آن به هیئتی‌ها رسید و حسینه در کنار مسجد دارای هویتی مستقل گشت و هیئتی‌ها جمعیتی غیر از مسجدی‌ها گرچه تعارضی بین این دو گروه نیست، اما تیپ شخصیتی این دو گروه از هم جداست و اصولاً هیئتی‌ها بانیان عزاداری هستند نه الزاماً از تیپ و مسجدی که حضور در مسجد و آیین‌های مربوط به آن به‌ویژه شرکت در نماز جماعت روزانه از ویژگی‌های آن‌هاست.

۳. آیین‌ها در حسینه‌های آغازین

هر سه کتیبه به حسینه به عنوان محل عزاداری امام حسین در ایام عزاداری که به طور معمول از دهه اول محرم آغاز شده اشاره دارند و در هر سه به نام حسینه و امام حسین و برخی آیین‌های مربوط به عزاداری اشاره شده است. با این اوصاف وقف نامه حسینه امیر چخماق به برخی از آیین‌ها مانند سیاه‌پوش کردن دیوارهای حسینه اطعام عزاداران امام حسین در عاشورا و مراسم به پاداشتن شدّ چهل گیسو که هنوز نیز کاربرد دارد نیز اشاره شده است (درباره چهل گیسو نک؛ مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۶: ۲۵۱-۲۵۲) دو توغ صفوی نصب شده بر سر در حسینه قاضی که یکی از آنها تاریخ ۱۱۱۹ هجری دارد نیز نشان می‌دهد توغ‌برداری نیز یکی از آیین‌های مربوط به حسینه بوده که معمولاً همراه با دسته روی است.^۳ در کتیبه مسجد و حسینه قاضی نیز به اطعام عزاداران اشاره شده و به آیین‌های دیگر پرداخته نشده است البته ضرورتی هم نبوده که بدان اشاره شود. در کتیبه ساخت حسینه سرپلک از آنجا که به ساخت و نه به موقوفات احتمالی آن اشاره نشده است، به ذکر یا حسین، سوگواری برای شهیدان کربلا و ثواب ریختن اشک برای ایشان که باعث بخشایش گناه می‌شود اشاره رفته است. البته از متن وقف نامه فرح آباد و دیگر وقف نامه‌هایی عزاداری همان دوره می‌توان دریافت که در حسینه وعظ و حدیث، مرثیه‌خوانی، واقعه خوانی، روضه‌خوانی، عزاداری و توزیع نذریات خوردنی مانند پخت آش، حلیم، نان حلوا و شربت رواج داشته است (قس؛ احمدی، ۱۳۸۵: ۹-۱۲).

وقتی بنایی دائمی برای آیین‌های عزاداری و شیعی وقف می‌شود، طبعاً نمی‌تواند برنامه‌های آن موقوف بر یک روز یا یک دهه باشد و باید برای دیگر ایام سال هم برنامه وجود داشته باشد. امروزه در ایام محرم و صفر و دیگر روزهای برگزاری آیین‌های عزاداری و شادی برای چهارده معصوم در حسینه‌ها برنامه برگزار می‌شود. گویا از همان ایام نیز چنین رسمی وجود داشته است. وقف نامه‌ای از سال ۱۱۲۹ در دست است که نشان می‌دهد آیین‌های سالیانه محرم در آن دوران که طبعاً در حسینه‌ها هم برگزار می‌شده شامل روزها و شب‌های دهه اول محرم، روز و شب اربعین امام حسین، بیست و هشتم صفر و

۳. (درباره انواع کاربردهای توغ نک؛ مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۰: ۳۳-۴۸)

به‌طور کلی ایام سوگواری پیامبر (ص)، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین و سایر شهیدان کربلا بوده است (همان، ۱۰).

۴. حسینیّه و سلطان حسین صفوی

تردیدی نیست که حسینیّه به‌عنوان مرکز آیین‌های سوگواری مربوط به حسین بن علی است، اما به نظر می‌رسد در انتخاب این نام گوشه نظری هم به سلطان حسین صفوی است که به شدت بر توسعه آیین‌ها افزود و خود در این راه پیش‌قدم بود. در دو وقف نامه صراحتی و کنایتی به نام این شاه آیین‌گزار است. در طلیعه شعر وقف نامه حسینیّه سر پلک صراحتاً به نام سلطان حسین اشاره شده است، در متن وقف نامه قاضی گرچه صراحتاً به نام سلطان حسین اشاره نشده، اما در عبارتی به وضوح سلطان وقت را ستوده است: «تا آن مثنوبات به روزگار فرخنده آثار اولیاء دولت ابد مدت دوران قاهره عدت و باهره عاید گردد». بعید است این وصف به شخصی غیر از پادشاه مربوط شود. گویا کاتب و یا بانی وقف نامه با توجه به عنوان حسینیّه صراحتی در انتساب آن به سلطان حسین لازم نمی‌دانسته است.

به هر روی عنوان حسینیّه متضمن اشارتی به سلطان حسین باشد یا نباشد، وجود چنین عنصری در فضای محلی و شهری ایران را باید به اهتمام سلطان حسین و کارگزارانش به توسعه آیین‌های محرم مربوط دانست.

جمع‌بندی

گرچه اولین بنای حسینیّه منسوب به حسین بن علی (ع) در ایران خانقاه حسینیّه افوشته نطنز اثری از دوره تیموری است، اما این مکان مخصوص عزاداری امام حسین نبود، بلکه اولین حسینیّه‌ها در ایران و به دنبال توسعه عزاداری‌های محرم در دوره سلطان حسین صفوی و ضرورت ایجاد فضای مخصوص این آیینها شکل گرفت تاریخ لوح وقف نامه برجای‌مانده از سه حسینیّه در ایران در شهرهای یزد و آران و بیدگل در منطقه کاشان داری تاریخ ۱۱۲۰، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ هجری هستند که نشان دهنده تحولی خاص در این سال‌هاست.

این حسینیّه‌ها همگی در جنب و در ارتباط با مسجد و بازار ساخته شده‌اند و گویا بنای مکملی برای مساجد هستند و جالب است که امروزه پس از قرن‌ها ساختارها حفظ شده و ارتباط بین این عناصر محلی و شهری به قوت خود باقی است. از این میان وقف نامه حسینیّه سرپلک یزد به ساخت حسینیّه در کنار مرمت مسجد اشاره دارد. در وقف نامه مسجد قاضی آران و حسینیّه امیرجخماق یزد به مصرف

عواید موقوفه به صورت مشترک برای هزینه‌های مسجد و حسینه تصریح شده است. به جز آن این وقف نامه‌ها گویای نوع آیین‌های عزاداری آن دوران مانند سیاه‌پوشی حسینه، طعام عزاداران و فقرا، نوحه‌خوانی، آذین و گرداندن علم چهل گیسو نیز هست.

با توجه به محتوای این سه کتیبه شناسایی شده که می‌توان آن را به نمونه‌هایی دیگر از حسینه‌های آن دوران تسری داد، مشخص می‌شود سنت ساخت حسینه در مرکز بافت مذهبی و شهری ایران در اواخر دوره صفوی شکل گرفته است، بدین ترتیب ابهامی که درباره زمان بنای اولین حسینه‌ها وجود دارد رفع می‌شود.

با توجه به شناسایی این حسینه‌ها که برخی از آن‌ها مانند حسینه سرپلک به احتمال زیاد و برخی دیگر با احتمالی قابل بررسی ساختارهای قدیمی خود را حفظ کرده است، می‌توان به ساختار اولین حسینه‌ها به عنوان بخش مهمی از معماری مذهبی و در پیوند با دیگر عناصر شهری پی برد که پرداختن به آن موضوع مقاله دیگری است.

منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن الجوزی (۱۹۹۲). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. ج ۱۶ و ۱۵. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آزند، یعقوب (۱۳۸۵). *نمایش در دوره صفوی*. تهران: فرهنگستان هنر.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۵). *کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی*، مجله پژوهش‌های تاریخی. (۱۲)، ۷-۲۶.
- اسدی چیمه نغمه، جیحانی حمیدرضا (۱۳۹۷). *نام‌ها و نقش‌ها؛ روایتی از شکل‌گیری مجموعه تیموری افروخته*. مجله مطالعات تاریخ فرهنگی *فصلنامه انجمن ایرانی تاریخ*. (۴)، ۳۸، ۵-۲۴.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴) *یادگارهای یزد*. ج ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- پیترسون، ساموئل (۱۳۶۷). *تعزیه و هنرهای مربوط به آن*. در *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران*. گردآوری پیتر چلکووسکی. ترجمه داوود حاتمی. تهران: علمی و فرهنگی.
- تنوخی، قاضی ابن علی المحسن (۱۹۸۱). *نشوارالمحاضره و اخبارالمذاکره*. تحقیق عبود الشالچی. بیروت: مکتب المحقق.
- توسلی، محمد (۱۳۷۹). *حسینه‌ها، تکایا، مصلاها، معماری ایران (دوره اسلامی)*. گردآوری مجیدیوسف کیانی. تهران: سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. جلد ۱ و ۲. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

دانش یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). *کتیبه‌های اسلامی شهر یزد*. زیر نظر محمدحسن خادم‌زاده. تهران: سبحان نور و پایگاه میراث فرهنگی یزد.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *دنباله جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.

سلطان نژاد، حسین (۱۳۶۲). *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*. تهران: آگاه.

شریفی، جهانگیر (۱۳۶۸). *زواره، در شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی. ۲۵۳ - ۲۸۹.

الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴). *تشیع و تصوف، ترجمه علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو*. تهران، امیرکبیر. شیخ الحکمایی، عمادالدین (۱۳۸۸). *وقف نامه خانقاه حسینیه و گنبد سبز نطنز (۸۵۷ ق)*، در *اسناد معماری ایران دفتر اول*. تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری. ۳۵ - ۴۸.

صادق احمدی، مهدی (۱۳۹۳). *خانه های آسمانی ۲: معرفی مساجدی از گذشته تا امروزه*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.

صفوی، سام میرزا (۱۳۸۴). *تذکره تحفه سامی*. تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.

قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۳۱). *التقصص*. تصحیح سید جلال‌الدین حسینی (ارموی). تهران: مجلس.

قمی، قاضی احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*، ج ۱ و ۲. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.

کاشفی، حسین (۱۳۵۰). *فتوت نامه سلطانی*. به اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). *آل بویه*. تهران: صبا.

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی ایران دوره قاجاریه*. ج ۱، تهران: زوار.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۶). *تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا: نقش صوفیه، اهل فتوت و قلندریه در بنیان‌گذاری آیین‌های محرم*. اصفهان: آرما.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۳). *حسینیه، در دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱۳، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۰). *نگاهی مردم‌شناختی به آیین‌های توغ برداری در ایران*. مجله فرهنگ مردم/ایران. (۳) ۲۶، ۳۳ - ۴۸.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد و خداداد، محمد (۱۳۹۴). *توغ‌های نفیس و تاریخی شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل و نطنز*. مجله پژوهش‌نامه کاشان. (۱) ۱۴. ۱۴۰-۱۸۲.

مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۷). *ترازوی جهان اسلام، عزاداری شیعیان به روایت سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان (از صفویه تا جمهوری اسلامی)*. ج ۱، اصفهان: آرما.

منفرد، افسانه (۱۳۸۳). تکیه در دانشنامه جهان اسلام. ج ۸. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

میرمحمدی، حمیدرضا (۱۳۸۰). پراکندگی جغرافیایی اماکن مذهبی کشور در قالب استانی. مجله مسجد. (۴) ۵۸.

ناری قمی، مسعود (۱۳۹۵). الگوهای کالبدی حسینیه‌ها: ریشه‌ها و تحولات. مجله مطالعات معماری ایران. (۱) ۹. ۲۵ - ۴۵.

گزارش تصویری و تحلیل فنی مسجد سر پلک. کد خبر : ۱۹۳۹۶، ۳۰ مهر ۱۳۹۴.

نراقی، حسن (۱۳۸۲). آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نراقی، حسن (۱۳۶۵). تاریخ اجتماعی کاشان. تهران: علمی و فرهنگی.

نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۶۱). تذکره نصرآبادی. تصحیح وحید دستگردی. تهران: قزوینی.

<http://ppt90.ir/powerpoint-projects->

<https://mizboon.com/Blog/1398/11/yazd-2/>